



پیمان نمایان - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و عضو انجمن ایرانی حقوق جزا

سبحان طیبی - کارشناس ارشد حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات فارس

قسمت پایانی

جرم به کار می رود نیز قابل مصادره است؛ لیکن برخلاف حقوق داخلی ایران سایر اموال مرتکبان که ارتباطی به ارتکاب جرم ندارد، قابل مصادره نیست. بنابراین اگر وسیله نقلیه ای به ارتکاب قاچاق اختصاص یافته باشد، قابل مصادره است ولی منزل یا سایر املاک مرتکب که ارتباطی به ارتکاب جرم نداشته و به طریق مشروع تحصیل شده و به منظور ارتکاب جرم به کار نمی رود، قابل مصادره نمی باشد. اموال تبدیل یا تطهیر شده یا در مرحله تطهیر نیز قابل مصادره است. مصادره اموال ناشی از جرمی که به اموال دیگری تبدیل شده است یا معادل اموال ناشی از جرم، تمهید مؤثری است که مزایای خاص خود را دارد. اولاً اختفا، جایگزینی یا از بین بردن عین اموال ناشی از جرم خللی به عملیات مصادره وارد نمی کند و ثانیاً تصاحب اموال قانونی را ممکن می سازد؛ یعنی مسئولیت ادای معادل اموال ناشی از جرم به عهده مجرم است ولو این که وی

اموال قابل مصادره

تردیدی نیست اموالی که مستقیماً از ارتکاب جرم ناشی شده، نباید به مجرم تعلق گیرد؛ چون وی هیچ گونه سبب قانونی برای تملک ندارد. اگر مالک قانونی اموال موضوع جرم مشخص باشد بدون تردید اموال باید به نامبرده مسترد گردد لیکن با توجه به این که بیشتر جنایات سازمان یافته بزه دیده مشخصی ندارد که مالک قانونی اموال و عواید ناشی از جرم تلقی شود، ضبط و مصادره اموال و منافع ناشی از جرم در خصوص این جنایات اهمیت ویژه ای پیدا می کند. کنوانسیون پالمونافع ناشی از جرایم مشمول این کنوانسیون یا اموالی که با ارزش چنین منافی برابری می کند و اموال و تجهیزات یا سایر وسایل مورد استفاده در جرایم مشمول این کنوانسیون را قابل مصادره اعلام نموده است. پس علاوه بر منافع ناشی از جرم وسایلی که هر چند ناشی از جرم نیست ولی به منظور ارتکاب

کنوانسیون ۲۰۰۰

پالمو

در بوته تحلیل

بانگاهی

به قانون پولشویی

انگلستان و

سوئیس

اموال غیر قانونی اصلی را از دست داده باشد.^(۳۴) در تفسیر و اجرای این ماده دولت های متعاقد باید این اصل اساسی را در حقوق بین المللی در نظر بگیرند که اموال متعلق به یک دولت خارجی که برای مقاصد غیر تجاری به کار می رود، قابل مصادره نیست مگر با رضایت خود دولت صاحب اموال. به علاوه، هدف کنوانسیون محدود کردن قواعد مربوط به مصونیت دیپلماتیک یا مصونیت دولتی و مصونیت سازمان های دولتی نیست.^(۳۵) دولت های متعاقد برای شناسایی منافع ناشی از جرم و اموال و آلات مورد استفاده در ارتکاب جنایات سازمان یافته باید برای شناسایی، ردیابی و تعیین هویت دقیق آن ها راهکارهایی بیندیشند.

همکاری بین المللی در مصادره

به خاطر انتقال منافع ناشی از ارتکاب جنایات سازمان یافته به سرزمین دولت های دیگر و در نظر گرفتن این واقعیت که متضرر اصلی دولتی است که جرم در سرزمین آن ارتکاب یافته است اگر در زمینه مصادره اموال دولت ها به صورت هماهنگ رفتار نکنند، عملاً مجرمان می توانند از خلأ موجود استفاده و منافع ناشی از جرم را به کشورهای دیگر انتقال دهند. تدوین کنندگان کنوانسیون به درستی به این مهم توجه کرده و مقرراتی در این زمینه تدوین نموده اند.

هر یک از دولت های متعاقد کنوانسیون که در جرایم ارتكابی مشمول این کنوانسیون حق اعمال صلاحیت کیفری دارد، می تواند از دولتی که منافع حاصل از جرم از جمله اموال، تجهیزات یا دیگر وسایل ارتکاب جرم در سرزمین آن استقرار یافته، درخواست مصادره این اموال را بکند. دولتی که چنین درخواستی را دریافت می کند در چارچوب حقوق داخلی خود، در جهت اجرای این مهم تا بیشترین حد ممکن تلاش خواهد کرد؛ یا آن را به مقامات ذیصلاح خویش به منظور صدور دستور مصادره ارجاع می دهد یا در صورتی که چنین دستوری صادر شده، آن را به منظور اجرا ارائه می دهد و یا آن دستور مصادره را از دادگاه کشور متقاضی به منظور ترتیب اثر دادن به درخواست، به مقامات ذیصلاح خویش برای مصادره منافع و اموال ناشی از جرم یا وسایل مورد

استفاده در ارتکاب جرم تسلیم می کند.^(۳۶) بنابراین دولت طرف درخواست با در نظر گرفتن مقررات و قوانین ملی خود یا به استناد حکم مصادره ی صادر شده از محاکم خارجی عمل می کند و یا برای صدور حکم مقتضی موضوع را به مراجع ذیصلاح خویش ارجاع می دهد.

درخواست مصادره باید حائز شرایطی باشد. مندرجات ماده (۱۸) کنوانسیون (در خصوص معاضدت حقوقی دو جانبه) با اعمال تغییرات لازم در خصوص درخواست مصادره نیز لازم الاجراست.^(۳۷) بنابراین درخواست مصادره باید مکتوب یا در صورت امکان به شکلی قابل ارائه به صورت مکتوب باشد. فقط در شرایط اضطراری ممکن است درخواست شفاهاً صورت گیرد که بعداً باید به طور کتبی تأیید گردد. درخواست باید به زبانی که مورد قبول دولت طرف درخواست باشد، انجام گیرد. برای سهولت آگاهی از زبان مورد قبول هر دولتی، دولت های متعاقد هنگام تسلیم سند تصویب یا الحاق به کنوانسیون زبان یا زبان های مورد قبول خود را اعلام خواهند کرد.^(۳۸)

روشن است که تصمیم گیری در خصوص درخواست، توسط دولت دریافت کننده درخواست و براساس قوانین و مقررات داخلی این دولت و معاهدات الزام آور خواهد بود. هر دولتی برای استحضار دیگران از قوانین خود تصویر مقررات مربوط خویش را به دبیر کل ملل متحد تسلیم خواهد کرد.^(۳۹)

در بیشترین موارد منافع حاصل از جنایات ارتكابی به شکل دیگری تبدیل می شود تا از شناسایی و کشف جنایات ارتكابی جلوگیری شود (تطهیر)؛ اگر منافع حاصل از ارتكاب جنایت به طور کلی یا جزئی به اموال دیگری تبدیل شده باشد این اموال جایگزین قابل مصادره خواهد بود.^(۴۰)

سیاست کیفری کشورهای ارزیابی در قبال جرم انگاری پولشویی

الف) انگلستان

در سال ۱۹۸۶ قانون راجع به جرایم پولشویی در باب قاچاق مواد مخدر به تصویب رسید که از اول

■ برفلاف مقوق داخلی ایران سایر اموال مرتکبان که ارتباطی به ارتکاب جرم ندارد، قابل مصادره نیست. بنابراین اگر وسیله نقلیه ای به ارتکاب قاچاق اختصاص یافته باشد، قابل مصادره است ولی منزل یا سایر املاک مرتکب که ارتباطی به ارتکاب جرم نداشته و به طریق مشروع تکمیل شده و به منظور ارتکاب جرم به کار نمی رود، قابل مصادره نمی باشد. اموال تبدیل یا تطهیر شده یا در مرحله تطهیر نیز قابل مصادره است ■

20

سال ۱۹۸۹ لازم الاجرا گردید و مقررات راجع به پولشویی از آوریل سال ۱۹۹۴ به اجرا در آمد^(۴۱) اما تا سال ۱۹۹۳ که قانون جدید عدالت کیفری تصویب شد و قانون سال ۱۹۸۸ را اصلاح کرد، مقررات حاکم بر پولشویی، کلیه اشکال عمل جنایی را در بر نمی گرفت.

طبق قانون جدید عدالت کیفری هر کس در ترتیباتی مشارکت کند که هدف آن قادر ساختن شخص دیگری به حفظ کنترل بر عواید حاصل از عمل جنایی باشد، مجرم شناخته می شود؛ خواه این عواید را در دسترس آن شخص بگذارد و خواه از طرف وی آن را برای تحصیل در آمد به سرمایه گذاری اختصاص دهد؛ آن هم در حالی که می داند آن شخص دیگر، مرتکب عملی جنایی شده یا از عملی جنایی منتفع می شود^(۴۲) اما چنان چه متهم ثابت کند که نمی دانسته یا آگاهی کاملی نداشته است که ترتیب مزبور به عواید عملی جنایی مربوط می شده یا شخص دیگری را قادر به کنترل عواید حاصل از عمل جنایی می ساخته یا عواید مزبور را در دسترس آن شخص قرار می داده یا به واسطه سرمایه گذاری از طرف او برای وی کسب دارایی می کرده یا قصد افشای جزییات مربوط به ترتیبات انجام شده را داده یا قصورش در افشای امر به واسطه عذرخواهی بوده است، اعمالش مجرمانه شناخته نخواهد شد.^(۴۳) به علاوه مقرراتی در این قانون جهت حمایت از حقوق اشخاص درگیر در این ترتیبات که گام های مؤثری برای افشای وجود چنین اعمالی نزد پلیس یا مقامات ذیصلاح دیگر برداشته باشد، گنجانده شده است.^(۴۴)

به همین ترتیب، هر شخصی که به منظور فرار از تعقیب قضایی یا صدور و اجرای حکم توقیف اموال دست به پنهان کاری یا پوشش دادن دارایی هایی بزند که جزء عواید ناشی از عمل جنایی وی باشد یا به تبدیل و انتقال این دارایی ها مبادرت ورزد، مجرم شناخته خواهد شد.^(۴۵) همین طور پنهان کاری یا پوشاندن هر نوع دارایی که جزء عواید حاصل از عمل جنایی شخص دیگری باشد یا تبدیل و انتقال این دارایی ها به منظور

کمک به آن شخص برای تعقیب قضایی یا صدور و اجرای حکم توقیف، جرم محسوب می شود.^(۴۶)

ب) سوئیس

به موجب قانون کیفری فعلی سوئیس هر کس از شناسایی منبع دارایی ها یا کشف و توقیف دارایی های که می داند یا می دانسته از فعالیت های مجرمانه حاصل شده است جلوگیری کند، مجرم شناخته می شود.^(۴۷) در قانون سوئیس، این فعالیت های مجرمانه بسیاری از جرایم جدی نظیر دزدی، سرقت به عنف، کلاهبرداری، اخاذی، آدم ربایی و البته قبول رشوه توسط مأموران دولتی را شامل می شود.^(۴۸) جرم ارتكابی در سوئیس قابل مجازات خواهد بود؛ حتی اگر جرم اصلی در خارج از کشور ارتكاب یافته باشد؛ البته مشروط بر این که مجموعه شرایط و اوضاع و احوال تشکیل دهنده جرم اصلی، هم به موجب قانون سوئیس و هم قانون خارجی جرم باشد.^(۴۹)

مقررات کیفری سوئیس قبول، امانتداری کمک به سرمایه گذار یا انتقال سرمایه های شخص ثالث توسط واسطه های مالی را که با وجود قراین هشدار دهنده، بدون شناسایی هویت مالک اصلی صورت گرفته باشد، جرم می شناسد^(۵۰) البته باید ادعان داشت که در پی اصلاحات مارس ۱۹۹۲، این قانون به اشخاص مربوطه حق می دهد تا مقامات اجرایی را «از شواهد موجود این ظن که سرمایه ها دارای منبع جنایی است» مطلع سازند.^(۵۱) حق این نوع گزارش دهی، به واسطه لزوم مجرمانه بودن معاملات به موجب مقررات بانکداری سوئیس مایه می مشاجرات حقوقی بوده است.^(۵۲)

در اکتبر ۱۹۹۷ قانون پولشویی در سوئیس به تصویب رسید. هدف از این قانون مبارزه با پولشویی و تضمین سطح مناسبی از احتیاط در معاملات مالی است. این قانون برخی اقدامات بین المللی اتخاذ شده برای مبارزه با پولشویی را نیز در خود منظور کرده است؛ به علاوه قانون مذکور از جهاتی مکمل برخی قوانین موجود سوئیس منجمله مقررات کیفری آن است.



■ طبق قانون جدید عدالت کیفری هر کس در ترتیباتی مشارکت کند که هدف آن قادر ساختن شخص دیگری به حفظ کنترل بر عواید حاصل از عمل جنایی باشد، مجرم شناخته می شود؛ خواه این عواید را در دسترس آن شخص بگذارد و خواه از طرف وی آن را برای تحصیل در آمد به سرمایه گذاری اختصاص دهد؛ آن هم در حالی که می داند آن شخص دیگر، مرتکب عملی جنایی شده یا از عملی جنایی منتفع می شود ■

۳۹) بندهای "۴" و "۵" ماده (۱۳)

۴۰) بند "۳" ماده (۱۲)

۴۱) قانون جرایم قاچاق مواد مخدر ۱۹۸۶ با تصویب قانون قاچاق مواد مخدر ۱۹۹۴ مورد تجدیدنظر قرار نگرفت و بلکه بر آن صحنه نهاده شد. برای جزئیات بیش تر بحث های مربوط به مقررات پولشویی در این قانون و جرایم پولشویی به طور کلی ر.ک به:

Rider. Barry A.K, "The Wages of Sin-taking the profit out of Corruption- A British Perspective", Dickinson Journal of International Law 1995, 13:391. 421

42) U.k: Criminal Justice Act of 1988. Section 93 A (1), as amended by Criminal Justice Act of 1993, Section 29 (1).

43) U.K: Criminal Justice Act of 1988, Section 93 A (4).

44) U.K: Criminal Justice Act of 1988, Section 93 A (3).

45) U.K: Criminal Justice Act of 1988, Section 93 C (1) as amended by Justice Act of 1998, Section 31.

46) U.K: Criminal Justice Act of 1988, Section 93 C (2).

47) Swiss Criminal Code, Article 305 bis.

48) Du Pasquier 1998, 161.

49) Swiss Criminal Code, Article 305 bis, Paragraph 3.

50) Swiss Criminal Code, Article 305 bis, Paragraph 1.

51) Swiss Criminal Code, Paragraph 2.

52) Du Pasquier 1998, 162.

53) Switzerland: Money Laundering Act of 1997, Article 9(1) See also Du Pasquier 1998, 163.

54) Switzerland: Money Laundering Act of 1997, Article 9(2).

55) Switzerland: Money Laundering Act of 1997, Article 10 (1).

56) Du Pasquier 1998, 164.

57) Switzerland: Money Laundering Act of 1997, Article 10(2).

58) Du Pasquier, 163.

۵۹) بنگرید به:

"Citibank Called Lax on Salinas Money Trail", Washington Post December 4, 1998.

معدلک اظهار می شود که براساس قانون فوق واسطه های مالی موظفند هر گونه آگاهی یا ظن به انجام فعالیت های جنایی را که در جریان روابط تجاری خویش با مراجعینشان بدست می آورند؛ گزارش کنند.^(۵۳) البته وکلا و سردفتران رسمی از این قاعده مستثنا هستند؛ مگر آن که در شرایطی ویژه از وجود فعالیت های جنایی آگاه شوند یا چنین ظنی پیدا کنند.^(۵۴) هم چنین در کنار تعهد به گزارش، این قانون واسطه های مالی را موظف به مسدود کردن دارایی های می کند که موضوع گزارش هستند.^(۵۵)

هدف از این اقدام، جلوگیری از ناپدید شدن سرمایه هایی است که ظن آن می رود جزء عواید ناشی از فعالیت های مجرمانه باشد.^(۵۶) مسدود کردن سرمایه ها بیش از پنج روز تجاری طول نخواهد کشید و پس از سپری شدن آن، دارایی ها خود به خود آزاد خواهد شد مگر آن که مقامات اجرایی تصمیم به مداخله بگیرند.^(۵۷)

سرانجام، این قانون حاوی مقرراتی است موسوم به «خودرأبشناس» که برای پیشبرد اجرای قواعد و مقررات مبارزه با پولشویی منظور شده است.^(۵۸) قواعد این مقررات عنصر مهمی در استراتژی کلی مبارزه با پولشویی محسوب می شود.

این قواعد بخشی از پیشنهاد های نیروی ویژه ی اقدامات مالی بوده که شامل قواعد و مقرراتی نظیر شناسایی مشتری و قواعد دفترداری و همین طور تعهد به روشن کردن پیشینه اقتصادی معاملات مشکوک می شود.^(۵۹)

پی نوشت ها:

34) Michael Kilchling, substantive aspects of the U.N. convention Against Transnational organized crime.: A step Towards an organized crime code? The containment of Transnational organized crime, Hans jorg Albrecht and cyrille Fijnaut (eds) Freiburg i.Br. 2002, p.92.

35) UN. DOC.A/55/3833/Add.1, op cit, p.5

۳۶) بند "۱" ماده (۱۳) کنوانسیون

۳۷) صدر بند "۳" ماده (۱۳)

۳۸) بند "۱۴" ماده (۱۸)



ماده ۱۹ اساسنامه و شهر یور ۱۳۸۷

